

سوالات درس دوم جامعه شناسی دوازدهم

جامعه‌شناسی، یکی از علوم اجتماعی است که پدیده‌های اجتماعی را در جوامع تطوریافته با روش علمی مطالعه می‌کند. براساس تعریف فوق، پدیده‌های اجتماعی به‌طور کلی شامل تمام امور و وقایعی است که ویژگی جمعی دارد، اجزاء و عناصر مختلف تشکیل دهنده جامعه انسانی محسوب می‌گردند. به‌طور کلی جامعه‌شناسی را با توجه به هدف، موضوع و روش تقسیم می‌نمایند؛ این رشته از علم به‌لحاظ حدود موضوع به دو بخش تقسیم می‌گردد:

(۱) **جامعه‌شناسی کلان**، که جویای قوانین کلی و تحول اجتماعی است؛

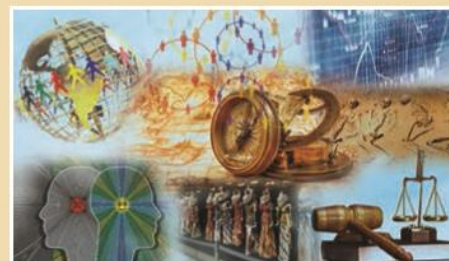
(۲) **جامعه‌شناسی خرد**، که موضوعات محدودتری نظیر شناخت ویژگی‌های گروه‌ها، اقشار و طبقات اجتماعی را مد نظر دارد .

پارادایم اول: رهیافت اثبات‌گرایان (Positivist Approaches)

اثبات‌گراها مدعی هستند پدیده‌های موجود در جهان، ویژگی‌های واحدی داشته و لذا در مطالعه و تحقیق راجع به هر کدام از این پدیده‌ها روش واحدی می‌توان بکار برد. بنا بر این می‌توان از روش‌های مطالعه‌ای که در علوم طبیعی بکار می‌رود، برای مطالعه پدیده‌های اجتماعی نیز بهره برد. سؤال اصلی رهیافت اثبات‌گرایی عبارت است از: چگونه می‌توان به‌کارگیری روش‌های علوم طبیعی برای مطالعه پدیده‌های اجتماعی، و به تبع آن در نظر گرفتن پدیده‌ها و امور اجتماعی به‌عنوان اشیاء، کنت، دورکیم، اسپنسر و زیمل از جمله اثبات‌گراها هستند. نظریه‌پردازان این رهیافت معتقدند همان‌طور که بر پدیده‌های طبیعی قوانینی مانند قوانین فیزیکی و شیمیایی حاکم است، روابط انسانی نیز تابع قوانین خاصی است که دانشمندان اجتماعی می‌توانند آن را کشف کنند. اگر می‌توان با کشف قوانین طبیعی بر پدیده‌های طبیعی غلبه نموده و آن‌ها را تحت کنترل درآورد، در مورد روابط افراد جامعه نیز می‌توان با کشف قوانین آن به پیش بینی پرداخته و پدیده‌های انسانی را نیز تحت کنترل درآورد.

پارادایم دوم: رهیافت تفسیری (Interpretative Approaches)

علم اجتماعی تفسیری، با الهام از اندیشه دیلتای، فیلسوف آلمانی در کتاب: «درآمدی بر علوم انسانی» (۱۸۸۳)، و همچنین جامعه‌شناس آلمانی، ماکس وبر به جامعه‌شناسی راه یافت. دیلتای نشان داد که دو نوع متفاوتی از علم وجود دارد که این دو اساساً با یکدیگر متفاوت‌اند؛ یکی مبتنی بر تبیین انتزاعی، و دیگری ریشه در فهم همدلانه، یا تفهم (Verstehen)



درس دوم علوم اجتماعی

۱) فواید علوم طبیعی را نام ببرید؟

۲) علوم اجتماعی کدامند؟

۳) کدام یک از علوم (اجتماعی) و علوم (طبیعی) پیچیده تر است؟

۴) دلیل پیچیدگی علوم اجتماعی نسبت به علوم طبیعی چیست؟

۵) علوم اجتماعی و علوم طبیعی را با یکدیگر مقایسه کنید؟

۶) علوم اجتماعی چگونه به دآوری در مورد ارزش‌ها و هنجارهای

اجتماعی می‌پردازد؟

۷) چگونه علوم اجتماعی موضع‌گیری اجتماعی صحیح را برای دانشمندان

فراهم می‌کند؟

۸) دلایل اهمیت علوم اجتماعی نسبت به علوم طبیعی در چیست؟

۹) علوم اجتماعی ظرفیت دآوری..... و..... حاصل از آن را هم

دارند؟

۱۰) علوم اجتماعی از چه طریقی به انسان آگاهی می‌دهد؟

۱۱) حوزه مطالعه علوم اجتماعی را مشخص کنید؟

۱۲) ابعاد کنش‌های اجتماعی کدامند؟

۱۳) دانش ابعادمختلف کنش‌های اجتماعی چگونه به وجود آمده است؟

۱۴) کدام یک از رشته‌های علمی پدیده‌های اجتماعی را مورد مطالعه

قرار می‌دهد؟

۱۵) جامعه‌شناسی یکی از شاخه‌های..... است .

۱۶) دیدگاه‌های مختلف جامعه‌شناسی را بنویسید؟

۱۷) جامعه‌شناسی به لحاظ سطح به چند دسته تقسیم می‌شود نام برده

و هرکدام را توضیح دهید؟

۱۸) رویکردهای جامعه‌شناسی چگونه شکل گرفته‌اند؟

۱۹) رویکردهای جامعه‌شناسی را نام ببرید؟

۲۰) پاسخ دهید:-

الف) واضع جامعه‌شناسی پوزیتیویستی کیست؟

- ب) در چه قرنی شکل گرفته است؟
- پ) به کدام یک از علوم نزدیک است؟
- ۲۱- دلیل نام گذاری (فیزیک اجتماعی) برای رشته جامعه شناسی توسط آگوست کنت چه بود؟
- ۲۲ چگونگی شکل گیری جامعه شناسی پوزیتیویستی را توضیح دهید؟
- ۲۳ جامعه شناسی پوزیتیویستی، پدیده های اجتماعی را مانند.....می داند .
- ۲۴ پاسخ دهید:
- الف) موضوع مورد مطالعه جامعه شناسی پوزیتیویستی را بنویسید؟
- ب) روش مطالعه جامعه شناسی پوزیتیویستی را مشخص کنید؟
- ج) هدف جامعه شناسی پوزیتیویستی را بنویسید؟
- ۲۵ واضعان جامعه شناسی تفهیمی را بنویسید؟ و از چه قرنی این رویکرد جامعه شناسی شکل گرفت؟
- ۲۶ ادعای جامعه شناسان تفهیمی در مورد "جهان هستی" چیست؟
- ۲۷ چگونگی شکل گیری جامعه شناسی تفهیمی را بررسی کنید؟
- ۲۸ اعتقاد ماکس وبر نسبت به کنش اجتماعی را توضیح دهید؟
- ۲۹ با ذکر یک مثال جامعه شناسی تفهیمی را توضیح دهید؟
- ۳۰ روش ویژه علوم اجتماعی که ماکس وبر بر آن تأکید داشت چه نامیده می شود؟
- ۳۱ چرا ماکس وبر علم را محدود به "روش تجربی" میدانست؟
- ۳۲ به نظر وبر چرا "جامعه شناسی" توان دآوری ارزشی را ندارد با ذکر یک مثال توضیح دهید؟-
- ۳۳ از نظر وبر چه موقع عملکرد "جامعه شناس" از دایره ی علم خارج می شود؟
- ۳۴ موضوع، روش و هدف جامعه شناسی تفهیمی را مشخص کنید؟
- ۳۴ جامعه شناسی قرن بیستم چه نامیده می شود؟
- ۳۵ جامعه شناسی انتقادی از کدام علوم فاصله گرفت؟
- ۳۶ موضوع مورد مطالعه، روش و هدف جامعه شناسی انتقادی را مشخص کنید؟
- ۳۷ جامعه شناسی انتقادی و جامعه شناسان تفهیمی را مقایسه کنید؟
- ۳۸ چرا جامعه شناسان انتقادی رویکرد جامعه شناسی "پوزیتیویستی" و رویکرد جامعه شناسی "تفهیمی" را محافظهکار میدانستند؟
- ۳۹ پاسخ دهید؛
- الف) کدام یک از جامعه شناسان توان دآوری ارزشی دارد؟
- ب) کدام یک از جامعه شناسان توان دآوری ارزشی ندارد؟
- ۴۰ تفاوت جامعه شناسی انتقادی و جامعه شناسی تفهیمی چیست؟
- ۴۱ جامعه شناسان پوزیتیویستی و انتقادی را با یکدیگر مقایسه کنید؟

تجربه زندگی روزانه مردم در شرایط تاریخی خاص آنان است. وبر نشان داد که علم اجتماعی مستلزم مطالعه «کنش اجتماعی معنادار، یا مطالعه کنش اجتماعی هدفمند است. او بر کنش تفهیمی تأکید عمده داشت و احساس می کرد جامعه شناس باید دلایل یا انگیزه های شخصی را که موجب شکل گیری احساسات بیرونی شده، و راهنمای افراد در روش های تصمیم گیری برای کنش در شرایط متفاوت است بشناسد».

اصول اصلی این تفکر بر مبنای این است که پدیده های انسانی متفاوت از پدیده های طبیعی هستند. در واقع پارادایم تفسیری مبتنی بر روشی متفاوت از اثبات گرایی است. از نظریه پردازان این پارادایم می توان از ماکس وبر، نظریه پردازان کنش متقابل نمادین (گافمن)، پدیدارشناسی و جامعه شناسی خلاق (شوتس، گارفینکل) یاد کرد.

پارادایم سوم: پارادایم انتقادی

علم اجتماعی انتقادی شق دیگری از معنای روش شناسی را ارائه می دهد. نسخه هایی از این رهیافت: ماده گرایی دیالکتیکی، تحلیل طبقاتی و ساختارگرایی هستند. این دیدگاه به طور مستقل نظریه ای مانند دو رهیافت قبلی ندارد، بلکه سراسر آن انتقاد به دو تفکر قبلی و به تمام علم جامعه شناسی است. علم اجتماعی انتقادی، با بسیاری از منتقدان رهیافت تفسیری علیه موضع اثبات گرایی موافق است، با این تفاوت که برخی انتقادات دیگری نیز دارد که با برخی از نقطه نظرات تفسیرگرایان مخالف است. این رهیافت تداوم نظریات مارکس و فروید بوده، و توسط آدرنو، اریک فروم و مارکوزه گسترش یافته است. علم اجتماعی انتقادی متشکل از نظریه های تضاد، تحلیل های فمینیستی و نظریات روان درمانی است. همچنین این رهیافت با نظریه انتقادی، از طریق مکتب فرانکفورت آلمان، در دهه ۱۹۳۰ گره خورده است. این دیدگاه با ارائه دلایل، به اثبات گرایی به خاطر بینش تنگ نظرانه، غیر دموکراتیک، و غیر انسانی بودنش انتقاد دارد. این انتقاد در مقالات آدرنو تحت عناوین: «جامعه شناسی و تحقیق تجربی» و «منطق علوم اجتماعی» (۱۹۷۶) آمده است. عضو مشهور این مکتب، یورگن هابرماس (۱۹۲۹)، علم اجتماعی انتقادی را در کتاب خود به نام «دانش و علاقه های انسانی» توسعه داده است. از دیگر اندیشمندان را که می توان در این مبحث جای داد، پیر بوردیو است. علیرغم این که او در موضوعات بسیاری قلم زده، رهیافت متفاوتی را در زمینه تحقیق و تئوری نشان داده است. اساس این رهیافت ضد اثبات گرایی و ضد تفسیری است. او موضوع هر دو رهیافت، یعنی بینش کمی گرایی قانون گونه اثبات گرایی، و بینش ذهنی گرا و اراده گرایی تفسیرگرایانه را طرد می کند. او خاطر نشان می سازد که تحقیق اجتماعی باید انعکاسی (Reflexive) بوده، (یعنی ضمن مطالعه راجع به موضوع، باید به خود انتقاد کند، همان گونه که ماهیت موضوع مورد مطالعه آن این گونه است)، و ضرورتاً سیاسی باشد. او معتقد است که هدف تحقیق کشف و پرده برداری از حوادث رایج است. اخیراً یک رهیافت فلسفی بنام «واقع گرایی» به علم اجتماعی انتقادی پیوسته است.

ردیف	سوالات اساسی	پارادایم اثبات‌گرایی	پارادایم تفسیرگرایی	پارادایم انتقادی
۱	هدف از تحقیق اجتماعی	کشف قوانین عمومی حاکم بر رفتار آدمی	فهم و توصیف کنش معنی‌دار	کشف ساختارها و لایه‌های زیرین نابرابری‌های اجتماعی
۲	واقعیت اجتماعی	مثل اشیاء، از قبل تثبیت شده و تابع نظمی قابل کشف	فهم انسان‌ها در زندگی روزمره	تضاد و دیالکتیک
۳	ویژگی‌های اساسی انسان	موجودی ابزاری، خودخواه و دارای عقلانیت و عمل بر اساس ساختارها	مختار، کنش‌گر و خلاق	مختار، منتقد و خلاق
۴	رابطه شعور عامه (فهم متعارف) با علم	تمایزی بارز میان علم و فهم متعارف (غیر علم)	علم حاصل و برآمده از شعور عامه	فهم متعارف، آگاهی کاذب و علم، معرفتی برای رسوخ به لایه‌های زیرین
۵	ویژگی نظریه و تبیین اجتماعی	نظریه، یک نظام شناختی و قیاسی از ارتباط درونی میان قضایا، بدیهیات و قوانین	توصیف نظام معانی گروهی با رهیافتی استقرایی و اندیشه‌نگار	تغییر نگرش برای تغییر ساختارها، روابط و قوانین
۶	معیارهای تبیین صحیح	منطبق با واقعیت، منطقی و قابل تعمیم	فهم عمیقی از روش‌های استدلال، احساس و تفکر مردم	قابلیت کشف ساختارهای پنهان موجد نابرابری و ارائه ابزار تغییر
۷	ویژگی شواهد خوب و یا اطلاعات واقعی	قابلیت تایید یا رد نظریه	در متن و زمینه کنش‌های ناب اجتماعی	بیگانگی‌زدایی
۸	رابطه ارزش‌های سیاسی اجتماعی و علم	بی‌طرفی ارزشی و تنها در انتخاب موضوع	ارزش‌ها یک بخش محوری در زندگی اجتماعی	حاکمیت ارزش‌ها با شرط درک نابرابری‌ها